

History of Niagara Falls ۱۹۶۹ آمده است: «تا سال ۱۹۰۰، با تکرانی و ناماییدی ساکنین محلی و مؤسسن تجارت پر رونق توریسم، آبشار نیگارا به «بهشت خودکشی» معروف شده بود. چرا شما فکر می‌کنید خودکشی با آبشار نیگارا مترادف است؟» به آمار مشخصی در مورد درصد خودکشی در آبشار نیگارا دست یافته‌اید؟

چند محل تماشایی و بسیار زیبا وجود دارد، از همه آن‌ها مشهورتر، بل گلدن گیت، کوه فوجی ژاپن و یک پرتگاه، فکر می‌کنم، در کترینال، انگلستان، و همین‌طور آبشار نیگارا هستند که پتانسیل خودکشی آن‌ها بالاست. تنها در دهه‌های اخیر این آمار به نسبت رسیده و حفظ شده‌اند.

کتاب آبشار چه‌طور به شما الهام شد؟ این داستان از طرح آن، معجمه setting، با یک شخصیت خاص ناشی شده است؟

من همیشه زمان‌هایی را با شخصیت‌های بازو و مشخصی، در محیط‌هایی که، به تعبیری، به آن‌ها

حیات داده است آغاز می‌کنم داستان‌های همیشگی و گریزناپذیر، از شخصیت‌ها ناشی می‌شوند، مثل افراد در زندگی، و «طرح داستان» Plot رسمی زمان را می‌سازند. اریا شخصیتی است که احتمالاً هم همدلی و هم خشم و مهربانی ایجاد می‌کند. فکر می‌کنید خوانندگان با اریا احساس نزدیکی کنند؟

از بسیار جهات، من با اریا احساس نزدیکی می‌کنم. تصور می‌کنم که در اوایل دهه ۱۹۵۰، اریا دوای یک مرد بزرگوار، که نداشتن همجنس‌گرا بوده، چه‌طور می‌تواند باشد و بقیه مسائلی که در زندگی برای او پیش آمده و برخی از آن‌ها را خیلی خوب می‌توانم ترک کنم از آن شخصیت مورد علاقه من است، فردی غیرعادی، سزناخت و به نوعی خودخور. و در عین حال عاشق خانواده

خانواده‌ها ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارند. مثل خانواده برنی در این کتاب، اما حقایق همگانی، کلی و قطعی‌ای وجود دارند که برای تمام خانواده‌ها به

کار رفته و قابل اجرا باشند؟

در جایی که عشق عمیق و پرشور وجود دارد، چه جنسی، چه پدر و فرزندی یا مادر و فرزندی، احتمالاً این عشق انحصار طلبانه و خفقان‌آور می‌شود و کار را پاره طیفیان و شورش می‌کشد. ممکن است نازاحتی‌هایی به وجود بیاورد، حتی سوء تفاهم‌ها و جنسی‌های درمانگ. اما عشق اصلی باقی می‌ماند، و ممکن است دوباره، با خوب شدن داری بیشتر شکوفا شود.

دوست دارید خوانندگان با خواندن «آبشار» چه بیفای را دریافت کنند؟

من برای آن که «بیفای» را به خوانندگان برسانم نمی‌نویسم، چون تبلیغات‌چی نیستم. بدیهی است «آبشار» زمانی بسیار آمریکایی از نیمه دوم قرن بیستم است که امیدوارم احتمالاً خوانندگان به وسیله آن، بحران‌های زندگی خود را، که با فشارهای «خارجی» مورد تهدید قرار می‌گرفت، را ببینند.

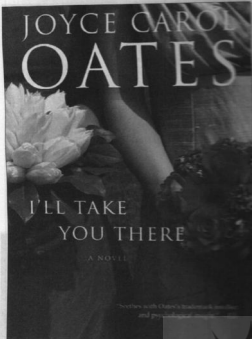
آبشار: نیروی طبیعت

Terrence Rafferty

ترنس رافرتی

داستان زمان جدید و بسیار جاه طلبانه جویس کرول آنس در آبشار نیگارا اتفاق می‌افتد و شما برای خواندن آن تقریباً نیاز به یک بارلی دارید. آنس مثل همیشه داستانی را در صحنه‌های نثر آبشارگونه و فوق‌العاده‌ای ارائه می‌کند که در آن، کلمات، جمله‌ها، پاراگراف‌ها و حتی فصل‌ها، اغلب ابواب ناچیز و بی‌اهمیت به نظر می‌آیند و به‌طور جداگانه، همچون قطره‌های آب در آبشاری عظیم هستند، تنها نقش آن‌ها، تا حد بسیار زیادی، در ارائه و به تصویر کشیدن افشانه لطیف و مستمر اعمال actions، تمایز و استعاره‌هایی است که در مجموع ایده‌آه این نویسنده از یک زمان هستند، و ارائه خروش همیشگی و گنگ این معنی که «آبشار» مثل همه آثار داستانی اوست که تصمیم به خلق آن‌ها می‌گیرد. لازم به ذکر است که شیوه او همیشه گیج‌کننده و تعجب‌آور بوده و خوانندگان را با ضربات بی‌امان و مداوم احساساتش از پا می‌اندازد. آبشار نیگارا برای زیبایی‌شناختی نیروی طبیعت جویس کرول آنس چنان استعاره مناسب و به‌جایی است که وسوسه توضیح و گسترش بیشتر آن تقریباً مقاومت‌ناپذیر است.





هر چند، در این راستا، جنون مطرح می‌شود. طبق مقدمه کتاب که به دکتر موزس بلاین Moses Blaine نسبت داده شده این جنون می‌تواند نتیجه و پیامد احتمالی قرار گرفتن یک فرد در مدتی بسیار طولانی، در حضور ابزارهای فشار باشد. حدود صد سال پیش، دکتر بلاین در نوشته‌های خود بیگ تاثیر مزمن به نام هایدراکراسیاپسیک Hydropsychyche یک حالت نیمه‌آهسته که حتی از زمانه مردی فعال، مقاوم و تندرست را در بهار جوانی بهطور موقت مسخ می‌کند، طوری که انگار تحت‌تأثیر افسون هیپنوتیستی بدخواه و شریر قرار گرفته است را مطرح کرد با این نتیجه، در وحشتناک‌ترین حالتها، اگر کسی مانع آن فرد نشود، آن قربانی نگویند، بخت، با سرنوشته محتوم‌اش، خود را به پایین برت می‌کند.

آنس از مشاهده نیمه علمی دکتر بلاین به عنوان نقطه آغاز روایتش استفاده می‌کند. پیش از آن که حتی به صفحه پنجم کتاب برسیم، مرد جوانی که به همین طریق گرفتار افشای اشاره شده، خود را در آبهای خروشان آن می‌نوازد. ما خیلی زود پی می‌بریم که آن روز، صبح بعد از شب عروسی کمالاً ششماقی او بوده فردی که اقدام به خودکشی کرده، یک پسر روحانی بسیار جانی به نام گیلبرت ارسکین، اهل نبروی، نیویورک بود که به دلیل شرافتی که در شب عروسی‌اش رخ می‌دهد دست به چنین کاری می‌زند. به این ترتیب، تیریه‌های طبیعی فوق‌العاده قوی و عریان‌گسیخته ابزار نیاگارا و شور و شوق یک زن، به نوعی در روح و روان آنسب پذیر گیلبرت ادغام می‌گردد و تبدیل به صدای واحدی می‌شود. صدای یک سینر! او را با سوسه به آن می‌خورد و ناشاری کف‌آلود می‌کشد.

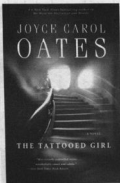
آنس، همان‌طور که سنت اوست، در صد صفحه اول کتاب مدتی با این عقیده بازی می‌کند، بعد از آن خسته می‌شود و به موضوعات دیگر می‌پردازد. در حالی که همیشه در دیدگاه استعاره‌ای‌اش، ابزار، باقی می‌ماند. در سبک‌های مختلف داستان، به توصیف شخصیت‌های دیگر زمان می‌پردازد و تیریه‌های موضوعات، امر از طبقه اجتماعی، عدالت اقتصادی و تخریب محیط زیست به وضوح و با قدرت سخن می‌گوید. و از این گذشته، موضوع این داستان مکتب محقق و گسترش یک تعلیق suspense را برای این زمان فراهم می‌کند. تعلیق عینی‌تر و مشخص‌تر از هیچ‌تایی کم‌وبیش انتزاعی و بی‌ثبات که آنس در هر جایی دیگری (و ابشاره به آن متکی است، و آن‌چه آنس باید برای تریب خواننده و خودش، برای پیش رفتن در این زمان به کار ببرد آن حس کنی وحشت و تیره است. نفر بعدی که با پای نرده می‌رود کیست؟

یکی از عواقب احتمالاً ناخواسته شیوه روایتی بازی به هر جهت و تریب و شتاب‌زده او این است که قادر به پنهان کردن اکت و خیزهای شعبه‌های مختلفه دل‌بستگی‌اش در داستان‌هایی که می‌نویسد نیست. وقتی آنس کتابش را در جیبش جذب نشده، هیچ‌اش را درک نمی‌کند؛ و وقتی حوصله‌اش از سرچشمی شخصیت‌های داستانش سزم‌روده، این حس او را هم درک می‌کند. هیچ‌کس میهمی درباره داستان‌پردازی جویس کرول آنس وجود ندارد. او فقط با آن صدای مشتاقانه همچنان به سراغ شما می‌آید، کتاب پشت کتاب، کتاب پشت کتاب، و به خواننده اجازه می‌دهد به اسرار و باشاری خنده‌دار و نگران‌کننده بی‌مرد و اغلب اوقات من به آن پی می‌برم. هر چند، نکته جالب این است که هر وقت با خستگی به آخرین جمله یک زمان آنس می‌رسیم، متوجه می‌شویم که این

در حال تحصیل و تجدید صراحت نومیدانه و پرحاشاش، تاب و نوازش و یقینش به حبه مستقیم به مشکلات بزرگ اجتماعی زندگی امریکایی هستیم. عروسی‌های ششماقی، مثل بخش میانی ابشاره آنس مثل یک درایز معاصر است. عروسی‌اش و هم در قدرت و نفوذش، پس از ۲۰ سال و نوشتن بیست و نه کتاب، جویس کرول آنس سازش‌ناپذیر، سرسخت و نوقندباپذیر باقی می‌ماند. هر چه بیشتر وقتی یک تیروی طبیعت محسوب نمی‌شود به این دلیل است که سبک هر از زمانه طولانی بین یک نویسنده و مخاطبین‌اش، هیچ راز دیگری بین آن‌ها باقی نمانده است. اما کارزار موده‌های باصطلاح پوست کلفت آنس می‌تواند که کم‌وبیش راه برای دوام طولانی‌تر، و حتی لذت بردن بیشتر از زندگی ششماقی او تلقی آن به عنوان مکان جفایی برای دیدن است، جایی که نباید دوست داشته باشید در آن زندگی کنید، اما اشتیاق بازید از آن را دارید. پس باستان، و به سرعت بخوابید و خیلی به دقت یا طولانی به آن نگاه نکنید. پس آن را مرور کرده و به بحث بپردازید.

«The Thing Happens: Ten Years of Writing About the Women»
 ترجمه: علی‌اکبر...

□
 ترجمه: Terrence Bellamy
 The Thing Happens: Ten Years of Writing About the Women



نظر منتقدان

• بزرگسازان

- این رمان عالی و مسحورکننده، موهبت رئالیسم مزایبری را که موفقیت‌های آنس، از فیبیل ۱ What I We Were the Mulvaney's and Lived For نموده، از نو خلق می‌نماید. این کتاب بهترین اثر او تا زمان حال، و یک شاهکار است.

• بوک لیست

- از تسخیل پسرهیجان و تبالود آنس یک رمان پیچیده و بلندپروانه خلق شده که مطالب آن برای پیر کردن کتاب کافی است. این رمان پرشور و به‌طور مقاومت ناپذیری خواندنی، گسترهٔ کاملی از دل مشغولی‌های استثنایی آنس را به تصویر می‌کشد. - ویران‌گری اسرار، شخصیت‌های زن نامتعارف، با اسبابی حرم‌صفت و احساساتی ناپایدار؛ و شیوهٔ اسرار آمیزی که احساس انسانی در دنیای طبیعی منعکس می‌شود کتابی درخشان، بیادماندنی و خواندنی از آنس بی‌نهایت پُرکار.

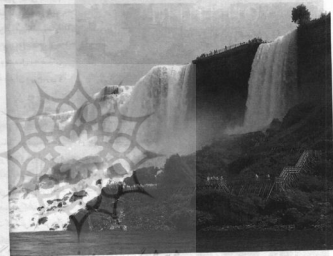
• دیزرت تریبک نیوز Desert Morning News

- این کتاب فوق‌العاده است، «بشار» در اصل رمزنتیک است - به‌طور درناکی رمزنتیک.

- آنس در جمله بهترین نویسندگان این سرزمین است، با خواندن «بشار» دلیل آن را متوجه می‌شوید.

• هوستن کرویکل

- شاید در این کتاب تصاویر به هم پیوسته بسیار



• پاپشیرز ونگلی

درون‌مایه دچار انحراف می‌گردد، آنس داستانی به یادماندنی ارائه کرده که در آن طبیعت و اسان‌ها به‌طور یکسان جریس و خودپزیرانگر هستند.

• لایبری جورنال

- آنس از دست‌آورد آبنشار برای تأسیس سرزمند استفاده می‌کند و با احساس بیان می‌کند که چه‌طور زندگی‌های ما ممکن است از سوی نیروهای ماورای کنترل و اختیار ما مورد هجوم قرارگیرد. توصیه می‌کنم حتماً این کتاب را بخوانید.

- آنس نه تنها در این رمان پیچیده که در شهر آبنشار بناگذا در طول دهه ۱۹۵۰ رخ می‌دهد، در ادگار اصل خود است، بلکه در اوج فرم نوشتاری خود فرار گرفته نثر پسرهیجان و تبالود او به‌طور خاصی مستجاب با داستانی به پُرآشوبی این آبهای پرهیاهو و جنجالی است که طی سال‌های زیادی زندگی‌های بسیاری را به کام خود کشیده است. - یکی از شخصیت‌های این کتاب به خود می‌گوید: «در نهایت، کل ماجرا دربارهٔ خانواده است» و با این که گاه و بی‌گاه، این داستان در توصیف این

زیادی وجود داشته باشد (به خصوص از سقوط) و سبک گاهی اوقات نفس گیر آتس (آن‌ها ازدواج کردند... آن‌ها ازدواج کردند... آن‌ها ازدواج کردند...) ممکن است کمی آزاردهنده به نظر بیاید، اما در نهایت، زمین گذاشتن کتاب «ابشار» بسیار دشوار است.

پیش‌نویس خود را که به آن...

● دپترویت فری پریس - Detroit Free Press Inc.

... آتس استعداد مرموز و عجیبی در جذب خواننده و محکم نگه‌داشتن او دارد. «ابشار» مثل منبع الهامش، قدرت روایتی دارد که مقاومت در برابر آن بسیار دشوار است.

● بوک پیج Book Page - بارن مک کینک

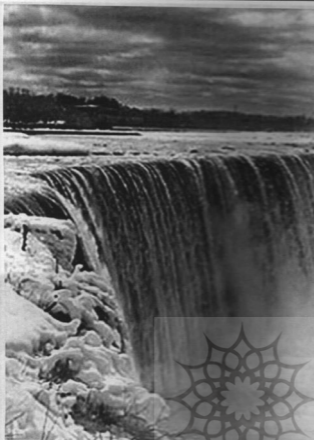
«ابشار» بعد از *We Were the Mulvaney's* بهترین رمان اوست. «ابشار» هم مثل آن کتاب به یادماندنش به اکت و خیزها و تغییرات یک خانواده در شمال ایالت نیویورک می‌پردازد. همه درون‌مایه‌های آتسی این‌جا هستند: بهای طاقت‌فرسای حتی کوچک‌ترین خوشی‌ها، فلاکت زن بودن و جنگ آتشی‌ناپذیر بین قوی و ضعیف.

● لیکر اف گرپ - گرولاین دور

قدرت تخیل جویس گرول آتس به طرز زیبا و بی‌بروبایی صریح و بی‌بهره است. نثر او به کلی از فشارها و محدودیت‌های خودآگاهانه نویسنده‌گی آزاد است. او با تمام وجود در آفرینش‌های خود غرق می‌شود. زمان‌های او به‌طور افروخته‌دنی سرشار از نثری هستند که ساخت آن کامل و غنی است، به این ترتیب به‌نظر می‌رسد از درزهای‌شان سرزیز می‌کنند.

● بوک‌مارکس مگزین - Bookmarks Magazine

«ابشار» مثل یک داستان حماسی قرن نوزدهمی خوانده می‌شود، با بازتاب‌هایی از گوتیک. برخی از منتقدان این شیوه را به عنوان ماژوراماتیک مورد توجه قرار می‌دهند؛ دیگر منتقدان آن را برتر، اعجاب‌انگیز و بی‌حد و حصر می‌نامند. آتس به‌کند و کلو اعماد روان‌شناختی شخصیت‌هایش مشهور است، همان‌طور که در *Blonde, We Were the Mulvaney's* چنین کرده است. این رمان هم استثناء نیست. رشد شخصیت، نثر جذاب و یک پایان شوکه‌مند و شجاعانه.



● کریسچن ساینس مونیتور - Christian Science Monitor

«ابشار» را از نظر ادبی و مطالعات فرهنگی - شعاعی تجزیه و تحلیل می‌کنند. برای افرادی که در زمان‌های آتس با این نوع نثر مواجه می‌شوند، می‌تواند یک تجربه بسیار لذت‌بخش و چالش‌برانگیز باشد. آن‌ها به دنبال این هستند که چگونه آتس با این سبک نثری، به‌ویژه در مورد مرگ می‌رود، و به معنای واقعی کلمه با بصیرت و اندک خود را دراز می‌کشد و قبل از آن که شما متوجه آن شوید، حسن‌کنز را با ما تسجیم داده است. در سمت راست، او به‌طور افروخته‌دنی ما را با جزئیات گوتیک رنگی عادی وسوسه کرده و بعد از آن دیگر نثر او را می‌کشد. ما را به نوبت نثر عقل و خرد خود مسلط کرده است.

● نیکوکاران - نیکوکاران

زمانی آتس درباره نوشتن خود گفت: سعی کرده‌ام به دل‌مشغولی‌های خاص آمریکایی‌های نیمه قرن بیستم شکل بدهم؛ به هم ریختگی عشق و پول، عقول تجربه عمومی و خصوصی، میلی شیاطنی که در تمام اطراف حس می‌کردم. میل به خشونت به عنوان پاسخی برای تمام مشکلات، میل به خود ویرانگری، خودکشی، تجربه‌های نهایی، و تسلیم نهایی استفاده از زبان تمام آن کاری است که ما برای مقابله با مرگ و خاموشی انجام دهیم.

آتس به آن میل شیاطنی غلبه کرده، تا به اطمینان کامل برسد. آن قدر در این کار موفق بوده که من به اندازه کافی به خودم اطمینان ندارم که به این زودی‌ها به دیدن ایشان نیاگارم. بروم. □